

یادداشت

از تعدد دستگاه‌ها تا ضرورت حکمرانی یکپارچه

ایران عضو سازمان تجارت جهانی نیست و بنابراین این مقررات برای کشور ما تعهد حقوقی ناشی از عضویت ایجاد نمی‌کند؛ اما این تفاوت حقوقی مانع استفاده از تجربه و استانداردهای بین‌المللی برای اصلاح نظام تجاری کشور نیست. در همین زمینه، توصیه شماره ۳۳ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) درباره «پنجره واحد» یک اصل ساده اما بسیار مهم را مطرح می‌کند: فعال اقتصادی باید بتواند اطلاعات و اسناد استاندارد مورد نیاز برای واردات، صادرات و ترانزیت را از یک نقطه واحد ارائه کند و در محیط الکترونیکی، اصل بر این باشد که هر داده فقط یک بار ارائه شود. دستگاه‌های دولتی نیز باید کنترل‌های خود را از طریق این سازوکار هماهنگ کنند. نکته مهم همین‌جاست. پنجره واحد صرفا به معنای تبدیل فرم کاغذی به فرم الکترونیکی نیست. اگر تاجر همچنان مجبور باشد اطلاعات مشابه را در چند سامانه وارد کند و منتظر تصمیم جداگانه چند دستگاه بماند، ما فرایند قدیمی را دیجیتالی کرده‌ایم، نه اینکه آن را اصلاح کرده باشیم. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نیز در ارزیابی سال ۲۰۲۵ از خود از وضعیت تسهیل تجارت در ۱۶۳ اقتصاد جهان، بر اهمیت هماهنگی میان دستگاه‌های مرزی، دیجیتالی‌شدن فرایندها و کاهش فاصله میان مقررات و اجرای عملی آنها تأکید کرده است و نشان می‌دهد همکاری میان دستگاه‌های مرزی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پیشرفت در تسهیل تجارت بوده، اما همچنان از حوزه‌هایی است که بیشترین ظرفیت برای بهبود را دارد. این گزارش همچنین به فاصله میان ایجاد چارچوب‌های قانونی و اجرای واقعی آنها، به‌ویژه در اتوماسیون و هماهنگی فرایندها توجه می‌کند. این تجربه‌ها یک پیام روشن دارند: هدف، کاهش نظارت نیست؛ هدف، نظارت مؤثرتر با هزینه و زمان کمتر است.

چه باید کرد؟

نخستین اقدام، ایجاد یک سازوکار هماهنگی عملیاتی واحد در مرزها، با حفظ صلاحیت قانونی دستگاه‌های تخصصی است. حضور چند دستگاه الزاما مشکل ایجاد نمی‌کند؛ مشکل زمانی آغاز می‌شود که هیچ ساختاری مسئول نتیجه نهایی فرایند نباشد. در کنار وظایف قانونی هر دستگاه، باید نهادهای پاسخ‌گوی زمان کل عبور کالا نیز وجود داشته باشد. دوم، پنجره واحد تجارت فرامرزی باید از سطح اتصال چند سامانه فراتر رود و به معنای واقعی به محل تبادل داده میان دستگاه‌ها تبدیل شود. اصل باید این باشد: یک بار ارائه اطلاعات، چند بار استفاده قانونی از همان اطلاعات. سوم، نظام بازرسی باید بیش از گذشته بر مدیریت ریسک استوار شود. صادرکننده خوش‌سابقه، محموله کم‌ریسک و فعال اقتصادی شفاف نباید الزاما همان فرایندی را طی کند که برای یک محموله یا فعال پرریسک در نظر گرفته شده است. منابع محدود دستگاه‌های نظارتی نیز منطقی‌تر است بر مواردی متمرکز شود که واقعا ریسک بیشتری دارند. چهارم، در مواردی که چند دستگاه باید یک محموله را بررسی کنند، تا حد امکان بازرسی‌ها باید هماهنگ و هم‌زمان انجام شود. بازکردن یک محموله برای چندمین بار نه لزوما امنیت را افزایش می‌دهد و نه کیفیت کنترل را. و پنجم، زمان باید به شاخص رسمی عملکرد مرزها تبدیل شود. متوسط زمان ورود تا خروج کامیون، زمان انجام تشریفات، تعداد کنترل‌های فیزیکی و دلایل توقف‌های غیرمتعارف در مرزهای اصلی کشور باید اندازه‌گیری و به‌صورت دوره‌ای ارزیابی شود. چیزی که اندازه‌گیری نمی‌شود، معمولا به‌سختی اصلاح می‌شود.

همه مشکلات تجارت ایران از بیرون مرزها نمی‌آید

سال‌هاست بخش مهمی از مشکلات تجارت خارجی ایران را با تحریم توضیح می‌دهیم و البته بخش قابل توجهی از این مشکلات واقعا ناشی از محدودیت‌های خارجی است. اما همین واقعیت باید آنکیزه ما را برای اصلاح آن بخش از هزینه‌های تجارت که در اختیار خودمان است، بیشتر کند. رفع تحریم در اختیار مدیر یک پایانه مرزی یا دستگاه اجرایی حوزه تجارت نیست؛ اما کاهش یک بازرسی تکراری، اتصال دو سامانه، بذیرش نتیجه کنترل یک دستگاه توسط دستگاه دیگر، اجرای مدیریت ریسک و کاهش چند ساعت از توقف غیرضروری یک کامیون، تصمیم‌هایی هستند که می‌توان در داخل کشور درباره آنها اقدام کرد. این اصلاحات شاید در ظاهر به اندازه یک قرارداد بزرگ صادراتی خیرساز نباشند، اما آثار آنها می‌تواند بسیار ماندگارتر باشد. کاهش زمان عبور کالا بدون پرداخت پاره‌انه صادراتی و حتی بدون تغییر نرخ ارز، مستقما بخشی از هزینه تجارت را کاهش می‌دهد. بنابراین، بحث امروز نباید میان «کنترل» و «تسهیل» تعریف شود. تجارت سالم به هر دو نیاز دارد. مسئله واقعی انتخاب میان کنترل پراکنده و پرهزینه و کنترل هماهنگ، هوشمند و مبتنی بر ریسک است. اگر حدود ۲۳ دستگاه در فرایندهای مرزی نقش دارند، هدف نباید حذف وظایف ضروری آنها باشد؛ باید کاری کرد فعال اقتصادی در نهایت با یک نظام هماهنگ مواجه شود، نه با ۲۳ مسیر اداری. در شرایطی که برای پیداکردن هر بازار صادراتی هزینه قابل توجهی صرف می‌شود، نباید اجازه داد بازار به دلیل عاملی از دست برود که امکان اصلاح آن در داخل کشور وجود دارد. صادرات با پیداکردن مشتری پایان نمی‌یابد. تازه از همان‌جا تعهد صادرکننده آغاز می‌شود. کالای توافق شده، با کیفیت توافق‌شده، باید در زمان توافق‌شده به دست مشتری برسد. اگر ساختار داخلی تجارت مانع تحقق این تعهد شود، بخشی از مزیت رقابتی کالای ایرانی پیش از عبور از مرز از بین رفته است.

منابع و مستندات در روزنامه شرق موجود است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیل اینجانب **حمید پاشاد** فرزند محمد مهدی، به شماره شناسنامه ۱۴۴۳۲ صادره از مشهد، مقطع کارشناسی، صادره از واحد دانشگاهی فردوسی مشهد دوره تحصیلات دانشکده مهندسی در رشته مهندسی مکانیک با شماره ۱۵۱۶۹۰/د مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به واحد دانشگاهی فردوسی مشهد ارسال نماید.

پروانه بهره‌برداری شرکت تولید فرآورده‌های غذایی بینا رزن با شناسه ملی ۰۸۲۰۰۰۰۴۸۲ به شماره ۲۹۲۳/۱۴۰۰ و تاریخ ثبت ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ به شناسه کسب و کار۰۲۸۰۳۹۹۱۸۰۳۳ و تاریخ بهره‌برداری ۱۴۰۰/۰۷/۲۳ ادر تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ سفید مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۱۲۱ ایران ۹۲۳ب ۵۴ به نام محمد غفوری باکد ملی ۰۷۷۲۲۴۵۵۶۰۰ در نام محمد غفوری باکد ملی ۰۶/۰۶/۱۴۰۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

گرفتاری اصلی، جنگ‌های میانه است؛ نه آن‌قدر بزرگ که هزینه و تلفات بسازند، اما نه آن‌قدر حیاتی که جامعه حاضر باشد بی‌پایان آنها هزینه بدهد. تفاوت مهم همین‌جاست: جنگ محدود از ابتدا محدود طراحی می‌شود؛ جنگ متوسط، جنگ کوچکی است که دیگر محدود نمانده است.

هیچ‌کس در واشینگتن یک روز صبح تصمیم نگرفت جنگ ویتنام را به آن اندازه بزرگ کند. آن جنگ از اینابتهاشدن تصمیم‌هایی ساخته شد که هرکدام به‌تنهایی محدود و ضروری به نظر می‌رسیدند؛ مشاوران بیشتر، نیروی بیشتر، بمباران بیشتر و تعهد بیشتر. ویتنام با یک تصمیم بزرگ به جنگی بزرگ تبدیل نشد؛ با مجموعه‌ای از تصمیم‌های کوچک بزرگ شد. سازوکار نفرین از همین‌جا آغاز می‌شود. حمله، پاسخ می‌آورد؛ پاسخ، تلافی می‌طلبد؛ تلافی، اعتبار و حیثیت را وارد محاسبات می‌کند و هر تصمیم، تصمیم بعدی را ضروری‌تر جلوه می‌دهد. از جایی به بعد، جنگ منطق مستقل خود را پیدا می‌کند و سیاست‌مداران به‌جای هدایت آن، درون منطق آن گرفتار می‌شوند. در جنگ با ایران نیز یک عملیات محدود می‌تواند واشینگتن را با انتخابی تازه روبه‌رو کند: عقب‌نشینی یا حمله دوباره. حمله دوم اهداف بیشتری می‌طلبد و پاسخ بعدی ممکن است پای نیروها، پایگاه‌ها و بازیگران منطقه‌ای را به میان بکشد. مأموریتی که قرار بود چند روز طول بکشد، به تعهدی تبدیل می‌شود که خروج از آن هزینه سیاسی و حیثیتی دارد. نفرین جنگ متوسط نه با نخستین حمله، بلکه در لحظه‌ای آشکار می‌شود که هر حمله، حمله بعدی را اجتناب‌ناپذیر نشان می‌دهد.

وقتی پاناما با عراق اشتباه گرفته شد

راه دیگر گرفتارشدن، قیاس نادرست با پیروزی‌های گذشته است. عملیات آمریکا در پاناما در سال ۱۹۸۹ سریع و محدود بود. مانوئل نوریکا کنار گذاشته شد و واشینگتن بدون گرفتارشدن در جنگی طولانی صحنه را ترک کرد. تجربه‌هایی ازاین‌دست می‌توانند بدون تصور وسوسه‌انگیز را تقویت کنند که برتری نظامی قادر است یک بحران سیاسی پیچیده را نیز با سرعت حل کند. اما عراق پاناما نبود؛ نه از نظر اندازه، نه از نظر ساختار جامعه، نه از نظر شکاف‌های داخلی و نه از نظر جایگاه منطقه‌ای. ارتش صدام در چند هفته شکست خورد و بغداد سقوط کرد، اما سقوط بغداد پایان مسئله نبود؛ آغاز مسئله‌ای تازه بود. آمریکا توانست نظم موجود را درهم نیشکند، اما نتوانست با همان سرعت نظامی مشروع و پایدار ایجاد کند.

قدرت تخریب: قدرت تأسیس نیست

یک ارتش می‌تواند ساختاری را در چند روز نابود کند، اما نمی‌تواند با موشک و بمب مشروعیت سیاسی تولید کند، اختلاف‌های تاریخی را از میان ببرد یا جامعه‌ای پیچیده را مطابق طرحی از پیش تعیین‌شده بازسازی کند. افغانستان همین درس را به شکلی دیگر تکرار کرد: طالبان به‌سرعت از کابل کنار رفت، اما دو دهه بعد و هم‌زمان با خروج آمریکا، دوباره به قدرت بازگشت. تصاویر اهداف منهدم‌شده به‌سادگی با پیروزی

اشتباه گرفته می‌شوند؛ حال آنکه پیروزی نظامی فقط هنگامی معنای راهبردی پیدا می‌کند که به هدفی سیاسی، روشن و پایدار منتهی شود. فاصله میان برهم‌زدن نظم موجود و ساختن نظمی بهتر، همان شکافی است که قدرت‌های بزرگ بارها در آن گرفتار شده‌اند. این خطر درباره ایران نیز جدی است. ایران را نمی‌توان نسخه بزرگ‌تری از پاناما یا تکراری از عراق دانست. دولت تاریخی، وسعت سرزمینی، جمعیت، حافظه ملی، پیوندها و ظرفیت‌های منطقه‌ای و توانایی‌های نظامی و اجتماعی ایران، هر طرحی برای یک «جنگ سریع و محدود» را با پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر روبه‌رو می‌کند. آمریکا ممکن است بداند چه چیزی را می‌خواهد منهدم کند؛ اما آیا می‌داند پس از انهدام آن، چه نظمی پدید خواهد آمد؟

دام افتخار کاذب

مرحله بعدی گرفتارشدن زمانی آغاز می‌شود که محاسبه منفعت جای خود را به حفظ حیثیت می‌دهد. کاپلان با تکیه بر بینش کلاسیک توسیدید به لحظه‌ای اشاره می‌کند که پرسش «چه چیزی به سود ماست؟» جای خود را به این نگرانی می‌دهد که «مبادا ضعیف دیده شویم». در چنین لحظه‌ای، نمایش قدرت و حفظ اعتبار، خود به هدف تبدیل می‌شوند. فلوچه در سال ۲۰۰۴ نمونه‌ای از این وضعیت بود. کشته‌شدن چهار پیمانکار آمریکایی و نمایش تحقیرآمیز اجساد آنان، فشار شدیدی برای واکنش ایجاد کرد. با آنکه برخی فرماندهان نسبت به پیامدهای عملیات هشدار می‌دادند، مسئله حیثیت در واشینگتن برجسته و فلوچه به یکی از خونین‌ترین صحنه‌های جنگ عراق تبدیل شد. افتخار کاذب از جایی آغاز می‌شود که حفظ اعتبار از هدف سیاسی جدا شود. حمله نخست برای مجازات است، حمله دوم برای پاسخ، حمله بعدی برای حفظ با‌زدارندگی و حمله‌ای دیگر برای آنکه عقب‌نشینی نشانه ضعف تلقی نشود. در این نقطه، جنگ دیگر ابزار سیاست نیست؛ سیاست به اسارت جنگ درمی‌آید. اما حیثیتی‌شدن جنگ فقط زمانی خطرناک نیست که واکنش‌ها را تشدید کند. خطر بزرگ‌تر آن است که قدرت مهاجم، هم‌زمان جامعه‌ای را که با آن روبه‌روست نیز نادرست بفهمد.

ایران را فقط از روی نقشه نمی‌توان دید

کاپلان یکی از سرچشمه‌های جنگ‌های متوسط را بدفهمی جامعه‌ای می‌داند که قرار است در آن مداخله شود. او با ارجاع به باربارا تاکنم یادآوری می‌کند آمریکا در ویتنام بیش از اندازه اسیر طرح‌های کلان ژئوپلیتیک بود و کمتر به تاریخ و ملی‌گرایی ویتنامی توجه کرد. در عراق نیز پیچیدگی‌های جامعه و هشدار کارشناسان منطقه‌ای به‌اندازه کافی جدی گرفته نشد. هشدار کاپلان را می‌توان یک کام فراتر برد: خطر فقط در توان یا ناتوانی آمریکا برای شکست‌دادن طرف مقابل نیست؛ در پیامدهایی است که پس از نخستین حمله دیگر لزوما در اختیار واشینگتن نخواهد بود. اگر بخشی از محاسبه واشینگتن بر این فرض استوار باشد که فشار نظامی به دگرگونی سریع سیاسی

۶. انتقال شوک‌ها بازار به سفره مردم

مهم‌ترین نگرانی امنیت غذایی در سال زراعی آینده فقط میزان تولید جهانی نیست، بلکه قابلیت دسترسی فیزیکی و اقتصادی مردم به غذاست. افزایش قیمت مواد غذایی معمولاً بیشترین فشار را بر خانوارهای کم‌درآمد وارد می‌کند، زیرا سهم غذا از مخارج آنان بالاتر است. در کشورهای فقیر و واردکننده، افزایش هم‌زمان قیمت غذا، انرژی و کود می‌تواند یک چرخه خطرناک ایجاد کند: هزینه تولید بالا می‌رود، قیمت واردات افزایش می‌یابد، قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند و در نهایت سوءتغذیه و فقر تشدید می‌شود. به همین دلیل، ممکن است نه‌تنها ایران، بلکه جهان با وضعیتی مواجه شود که از نظر فیزیکی غذای کافی در بازار جهانی وجود داشته باشد، اما دسترسی اقتصادی و جغرافیایی به غذا برای بخش‌هایی از جمعیت دشوارتر شود.

۷. آسیب‌پذیرترین کشورهای واردکننده

در سال زراعی پیش‌رو، کشورهایی که وابستگی زیادی به واردات گندم، ذرت، برنج، روغن نباتی و کود دارند، در معرض ریسک بیشتری قرار خواهند داشت. با توجه به وابستگی و ارزش اقلام وارداتی ایران به‌ویژه درباره روغن و نهاده‌های دامی و غذای طیور پیش‌بینی این موضوع به‌شدت اهمیت دارد. اقدام عجیب عربستان سعودی در خرید ۵۳۵ هزار تن گندم برای تحویل در ماه‌های نوامبر و دسامبر و تلاش برای کاهش ریسک رونقل در مسیرهای برتشت، نمونه‌ای از رفتار احتیاطی کشورهای واردکننده است. این کشورها به‌تدریج از مدل «خرید براساس قیمت» به سمت «خرید براساس امنیت عرضه» حرکت می‌کنند. این تغییر رفتار می‌تواند خود به افزایش رقابت برای خرید، افزایش ذخیره‌سازی و در برخی مقاطع افزایش انفجاری قیمت‌های جهانی منجر شود.

۸. از امنیت غذایی به امنیت زنجیره غذایی

تحولات کنونی نشان می‌دهد مفهوم امنیت غذایی دیگر نمی‌تواند فقط بر میزان تولید و ذخایر تمرکز داشته باشد. امنیت غذایی امروز به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است: آب، انرژی، کود، بذر، حمل‌ونقل، بنادر، تجارت، ذخایر راهبردی، ثبات سیاسی و توان اقتصادی خانوارها. به بیان دیگر، امنیت غذایی تابعی از امنیت کل زنجیره غذاست. اگر آب وجود داشته باشد ولی کود گران شود، تولید کاهش می‌یابد. اگر محصول تولید شود ولی مسیر صادرات نامن باشد، بازار دچار کمبود می‌شود. اگر غذا وارد شود ولی قیمت انرژی و ارز افزایش یابد، مصرف‌کننده قادر به خرید آن نخواهد بود.

کلام آخر و چشم‌انداز

چشم‌انداز سال زراعی جدید را نمی‌توان با یک پیش‌بینی ساده از «افزایش» یا «کاهش»

نفرین جنگ‌های متوسط

با فروپاشی ساختار قدرت می‌انجامد. تجربه تاریخی دلیل کافی برای احتیاط فراهم می‌کند. ایران فقط مجموعه‌ای از تأسیسات، پایگاه‌ها و اهداف نظامی نیست و نارضایتی داخلی را نیز نمی‌توان خودبه‌خود به استقبال از مداخله خارجی ترجمه کرد. فشار بیرونی می‌تواند، دست‌کم در کوتاه‌مدت، بخشی از شکاف‌های داخلی را تحت‌الشعاع قرار دهد و احساس ملی را فعال کند؛ هرچند دامنه و دوام چنین واکنشی را نمی‌توان از پیش با قطعیت تعیین کرد. آنچه روی نقشه دیده نمی‌شود، ممکن است مهم‌تر از چیزی باشد که روی نقشه دیده می‌شود. روی نقشه می‌توان تأسیسات، پایگاه‌ها و مسیرهای عملیاتی را مشخص کرد؛ اما حافظه تاریخی، غرور ملی، ترس، خشم و رفتار جامعه روی نقشه دیده نمی‌شوند. اگر ایران تسلیم نشد چه خواهد شد؟ اگر پاسخ‌ها ادامه یافت چه؟ اگر درگیری به دیگر نقاط منطقه کشیده شد چه؟ و اگر حملات اولیه به هدف سیاسی موردنظر نرسید، مرحله بعدی چیست؟ اینها پرسش‌هایی نیستند که پس از آغاز جنگ باید مطرح شوند.

روز بعد از حمله

تمام بحث را می‌توان در چند پرسش راهبردی خلاصه کرد: منفعت حیاتی آمریکا چیست؟ هدف سیاسی جنگ کجاست؟ حمایت عمومی تا چه زمانی دوام می‌آورد؟ و مهم‌تر از همه، راه خروج چیست؟ روز نخست جنگ معمولاً ساده‌تر است. تصاویر حملات دقیق منتشر می‌شوند، اهداف منهدم‌شده فهرست می‌شوند و زبان پیروزی بر فضای عمومی غلبه می‌کند. آزمون واقعی از روز بعد آغاز می‌شود؛ زمانی که معلوم می‌شود تخریب اهداف نظامی لزوماً به تغییر رفتار سیاسی طرف مقابل منجر نشده است. جنگ با ایران بی‌تردید برای ایران نیز هزینه‌های سنگینی دارد. زیرساخت، سرمایه‌گذاری، تجارت، گردشگری، امکان برنامه‌ریزی و زندگی روزمره در معرض فرسایش قرار می‌گیرند. اما موضوع این یادداشت سنجش میزان آسیب‌پذیری ایران نیست. پرسش این است که آیا واردکردن خسارت به ایران، آمریکا را به هدف سیاسی روشنی می‌رساند یا واشینگتن را وارد چرخه‌ای از حمله، پاسخ، تشدید و تعهد بیشتر می‌کند. تجربه ویتنام، عراق و افغانستان نشان می‌دهد قدرتی که روز آغاز جنگ را انتخاب می‌کند، لزوماً صاحب روز پایان آن نیست. جنگ با ایران نیز می‌تواند برای آمریکا با نمایش قدرت آغاز شود، اما با فرسایش قدرت ادامه یابد؛ نه ایران تسلیم شود، نه هدف سیاسی تحقق یابد و نه خروج بدون پرداخت هزینه‌ای تازه ممکن باشد. اینجاست که تجربه ییزانس دوباره معنا پیدا می‌کند. بلوغ قدرت فقط در دانستن چگونه جنگیدن نیست؛ در دانستن چگونه محدودکردن جنگ، چگونه پایان‌دادن به آن و گاهی چگونه واردنشدن به آن است. تاریخ، قدرت‌ها را با نخستین موشک داوری نمی‌کند؛ با جهانی داوری می‌کند که پس از آخرین موشک باقی می‌ماند.

منبع:

Robert D. Kaplan, “The Curse of Middle-Sized Wars: In Iran, Trump Risks Falling Into a Familiar Trap,” Foreign Affairs, March 11, 2026

تحلیلی از تحولات بازاروامنیت غذایی جهان وتأثیر آن بر ایران

قیمت غذای جهانی توصیف کرد. ویژگی اصلی این دوره در سطح جهان، افزایش شدید نوسان و کاهش قدرت و قابلیت پیش‌بینی بازار جهانی غذا خواهد بود. بدیهی است ایران بیشترین مواجهه را با نوسانات اقلیمی، بازار و قیمت‌ها در دوره پیش‌رو خواهد داشت. در سطح جهانی سه ریسک اصلی در هم تنیده‌اند: اقلیم نامطمئن، ژئوپلیتیک برتشت و افزایش شوک‌های انرژی و نهاده‌ها. ترکیب و اثر افزایشی این سه عامل می‌تواند در صورت وقوع شوک‌های جدید، بازار گندم، ذرت، برنج، روغن‌های نباتی و خوراک دام را به‌سرعت تحت تأثیر قرار دهد.

اما در ایران تنش ژئوپلیتیک، محاصره و تحریم‌ها اصلی‌ترین نگرانی است. هرچند امنیت مواد غذایی در زمینه سبزی و صیفی و میوه در ایران به‌دلیل توان و تنوع تولیدات داخلی وضعیت مطلوبی دارد و در بخش غلات نگرانی جدی از تولید داخلی و واردات غلات وجود ندارد. اما نگرانی اصلی در ناامنی زنجیره تولیدات دامی است و شاید آسیب‌پذیرترین حلقه امنیت غذایی ایران در ماه‌های پیش‌رو باشد. از این منظر، مهم‌ترین توصیه برای سیاست‌گذاران بخش کشاورزی و غذا در کشور آن است که امنیت غذایی را نباید صرفاً با مقایسه میزان تولید داخلی، واردات یا حجم ذخایر سنجید. باید هم‌زمان بر تنوع منابع واردات، ذخایر راهبردی، امنیت و کنترل مسیرهای تجاری، دسترسی پایدار به کود و انرژی، مدیریت آب، سازگاری اقلیمی کشاورزی و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر و کشاورزان خرد تمرکز کرد. کاهش ضایعات تولید و تلفات مصرف در شرایط به‌تدریج از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌ویژه در شرایط جنگی زیرساخت‌های انرژی و ترانسپورت مختل می‌شود، بازار مصرف و تقاضا کاهش یافته و حجم ضایعات به‌شدت افزایش می‌یابد. تجربه کوید در بسیاری از کشورها نشان داد تقویت شبکه‌های توزیع مجازی مواد غذایی در کاهش ریسک در توزیع و تلفات مواد غذایی بسیار مؤثر است. جایگزینی برخی از اقلام نهاده‌های دامی و تغییر در اقلام جیره دام و طیور هرچند در کوتاه‌مدت دشوار و پریسک خواهد بود اما دامنه تاب‌آوری را افزایش می‌دهد. آحادگی کامل و پیشگیری در قبال پدیده آل‌نینو و عوارض و پتانسیل آن در فصل زراعی پیش‌رو نیز بسیار مهم و ضروری است تا از مخاطرات به عنوان فرصت ذخیره منابع آب بهره گرفته شود. هشدار اصلی تحولات اخیر این است که گرما، خشک‌سالی، سیل و جنگ دیگر بحران‌هایی جدید و جدا از یکدیگر نیستند، بلکه به شوک‌هایی درهم‌تنیده تبدیل شده‌اند که می‌توانند از مرزعه آغاز شوند، از مرزها و بازارهای جهانی عبور کنند و در نهایت سفره خانوارها را کوچک‌تر و امنیت ملی کشورها را شکننده کند.

آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)

اجاره مجموعه ورزشی و استخر جهان پهلوان تختی

مجمع تحقیقاتی شهدای جهاد دانشگاهی در نظر دارد مجموعه ورزشی را از طریق مزایده عمومی اجاره دهد.
متقاضیان می توانند تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ پیشنهادات خود را به صورت پاکت در بسته به دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی واقع در تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۷۰، ساختمان جهاد دانشگاهی ، اداره کل امور مالی ، کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۵۱۳ ارسال نمایند.

مختصات ملک مورد اجاره:

مجموعه ورزشی به صورت دو باب سوله مجزا با اتصال لابی دو طبقه با اسکلت فلزی، نمای سوله ها آجرنما ولابی از سنگ به همراه محوطه سازی ورودی (در مجموع به مساحت حدود ۴۵۰ متر مربع و موتورخانه استخر ۱۷۰ متر مربع) شامل:
۱- سالن ورزشی به مساحت حدود ۱۵۰۰ مترمربع با امکان ورزشهای فوتسال، والبال، بسکتبال، دو باب رختکن، سرویس بهداشتی
۲- استخر سروبوشیده مجهز به سونای بخار، سونای خشک، جکوزی، حوضچه آب سرد و استخر کودکان، دو باب رختکن، سرویس بهداشتی در دو طرف به همراه محل دوش ورودی به استخر به مساحت حدود ۲۰۰۰ متر مربع
۳- ساختمان لابی ورودی در دو طبقه به مساحت حدود ۴۰۰ متر مربع شامل کفشداری ورودی، اتاق مدیریت، فضای لابی ورودی، بوفه، آبدارخانه و سرویسهای بهداشتی
۴- سالن مجهز بدنسازی و بیلارد به متراژ حدود ۴۰۰ مترمربع
۵- موتورخانه اختصاصی مجموعه ورزشی با کلیه تجهیزات مربوطه(۱۷۰ متر مربع).
قیمت پایه: اجاره ماهیانه مجموعه ورزشی ۳/۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل سیصد و پنجاه میلیون تومان)
نشانی مجموعه ورزشی: استان البرز، کیلومتر۵ اتوبان کرج- قزوین، خروجی کمالشهر، میدان علم و فناوری، انتهای خیابان شهدای جهاد دانشگاهی مجتمع تحقیقاتی شهدای جهاد دانشگاهی
ارائه ضمانت نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی معتبر به میزان ۵ درصد قیمت پایه (معادل ۲.۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) جهت شرکت در مزایده الزامی است. ضمانتنامه به نام جهاد دانشگاهی با شناسه ملی ۱۴۰۰۱۹۰۶۰۱ در پاکت درسته تحویل گردد.
در صورت برنده نشدن در مزایده، حداکثر ظرف مدت یک هفته ضمانت نامه بانکی یا چک تضمین شده مسترد خواهد شد و ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده برنده شرکت در مزایده (نفر اول) که ظرف یک هفته پس از اعلام نتیجه مزایده حاضر به تنظیم قرارداد با انجام معامله نباشد به نفع جهاد دانشگاهی ضبط می شود. به منظور هماهنگی و کسب اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۲۴-۳۴۶۶۴۰۰ داخلي ۱۱۳ و شماره ۰۹۳۲۵۰۵۴۰۲ تماس حاصل فرماید.

مجمع تحقیقاتی شهدای جهاد دانشگاهی